

شهرها بیشتر در مناطق گرم و خشک قرار داشته‌اند، نظام‌دهی و شکل‌گیری آنها در جهت ایجاد هماهنگی و تعادل بین محیط مصنوع، طبیعت و نیازهای انسان بوده و کوشش مسلمانان با بهره‌گیری از قوانین طبیعی و شناخت ویژگی‌های عناصر طبیعی و از جمله آب در جهت ایجاد محیط‌های شهری هماهنگ، متعادل و قابل زیست برای انسان است. علاوه بر آن آب نه تنها از جنبه‌های مادی حیات بخش و زنده‌کننده محیط مصنوع که از جنبه‌های معنوی نیز چنین بوده است و کاربرد آن در ابنیه و فضاهای شهری پاسخی در جهت رفع نیازهای روحی و معنوی استفاده‌کنندگان می‌باشد.

توجه مسلمانان به طبیعت و عناصر آن به ویژه آب و گیاه نشأت‌گرفته از تعالیم اسلامی و سخنان و سنت نبی‌اکرم (ص) بوده و تصادفی نیست که شهرهای پراکنده در گستره‌ی کشورهای اسلامی که از کرانه‌های دریای مدیترانه تا قلب افریقا و از آنجا تا هندوچین با اقلیم و



محیط‌های جغرافیایی متفاوت و گاه متضاد در برخورد با محیط طبیعی و به ویژه آب و گیاه، این‌گونه وجه اشتراک داشته‌اند. امروزه بسیاری از محققان بر این عقیده‌اند که فرهنگ اسلامی شیوه و روش خاصی در برخورد با نظام طبیعت به ویژه در رابطه با شهرها ارائه نموده است. مورخان، جهانگردان و جغرافی‌دانان در مورد شهرهای دوره اسلامی به نکاتی اشاره می‌کنند از آن جمله:

○ دمشق چنین توصیف شده است: «شهر را نهرها دریده و درخت‌ها

پوشانیده است.»<sup>۸</sup>

«شهر جور (در فارس) آب‌های جاری دارد و بسیار با صفا و تماشایی است و اگر کسی بخواهد از یکی از دروازه‌های شهر خارج شود باید حدود یک فرسخ در میان باغ‌ها و قصرها و گردشگاه‌های بسیار با صفا و سبز و خرم و مناظر عالی و دلربا و فرحبخش راهپیمایی کند.»<sup>۹</sup>

○ مقدسی در توصیف شهر کرمان می‌نویسد، «در شهر باغ‌های بسیار است که از آب قنات‌ها سیراب می‌شوند و آب خوردنی شهر از چاه است.»<sup>۱۰</sup>  
○ «و در اکثر فزونی و خوبی آب، بستان‌ها و باغ‌ها در محله‌های بغداد از هر طرف بسیار شدند.»<sup>۱۱</sup>

○ «شیراز شهری است قدیمی و وسیع و آباد دارای باغ‌های عالی و چشمه‌سارهای پر آب.»<sup>۱۲</sup>

جلوه‌های حیاتیبخش آب را در قلمروهای مختلف حیات و زندگی فردی و جمعی مسلمانان در فضای عمومی و خصوصی و یا به عبارتی در فضاهای معماری و شهری می‌توان مشاهده کرد:

○ **مساجد:** آب یکی از عناصر بنیادینی است که در فرهنگ اسلامی زمینه‌ی ارتباط بین مؤمن و معبود وی را فراهم می‌نماید. به دلیل اینکه تطهیر یکی از ضروریات و مقدمات انجام بسیاری عبادات و در رأس همه‌ی آنها نماز می‌باشد، می‌توان آب را زمینه‌ی حیات معنوی مسلمانان تلقی نمود. در جهت پاسخگویی به این نیاز مساجد و عبادتگاه‌ها همواره ارتباط نزدیکی با آب و منابع آب پاک و تمیز داشته‌اند.

این رسم دیرینه‌ای در سرزمین ایران است که از دوران گذشته در جلوی عبادتگاه و خارج از آن مکانی را برای شست و شو پیش‌بینی می‌کردند تا مؤمنین قبل از ورود به نیایشگاه خویش را پاک نموده و پلیدی را از اندام بزدایند.<sup>۱۳</sup> این مجاورت و همراهی عبادتگاه با آب پس از ظهور اسلام نیز ادامه یافته و در مسیر کمال پیش می‌رود. مسجد جامع سامره اولین مسجدی است که از حضور آبنا بهره می‌برد. منابع آب به صورت گرمابه، پادیاو، آب‌نما، آب‌انبار، گودال باغچه، مظهر قنات و امثالهم در کنار و یا صحن مسجد جایگاه ویژه یافته و عنصر جدانشدنی معماری مسجد شدند.

در توضیح شکل و عملکرد پادیاو و روند تکامل آن استاد پیرنیا چنین توضیح می‌دهد: «در نیایشگاه‌های کهن پادیاو را در پیش درگاه‌ها اما در ژرفا می‌ساختند تا نمای درگاه به خوبی آشکار باشد و پیش دید را نگیرد (شاید هم چون در بیشتر شهرها آب روان روگذر کمیاب بود و ناچار از آب کاریزها و پایاب‌ها بهره می‌گرفتند) سرای پادیاو را در زمین می‌کنند تا همتراز کاریز شود. توجه به پاکیزگی بیش از همه جا در معماری ایران به چشم می‌خورد.»<sup>۱۴</sup> وی در جای دیگری توضیح می‌دهد که این عناصر به مرور زمان در سده‌ی اخیر حذف شد و در بسیاری شهرها همچون نایین و یزد و سمنان و کرمان و اردستان با خاک پر شده‌اند و آثاری از آنها برجای نمانده است.

جملگی این موضوعات بیانگر توجه مسلمانان و مؤمنین به اهمیت طهارت و پاک‌ی و آمادگی معنوی و روحانی از طریق تطهیر با آب به منظور سخن گفتن با خدای خویش و عبادت او بوده است. این حیات روحانی تجلی کالبدی خویش را در معماری زیبای پادیاوها و آب‌انبارها و حوض‌های مساجد می‌نمایانند. در حقیقت حیات معنوی و روحانی مؤمنین گسترده‌ای فراتر از جسم آنها را در بر گرفته و بر شهر و محیط زندگی‌شان نیز گسترده می‌شد و به این ترتیب فضا نیز با حضور آب که به مثابه انسان کامل و فرد مؤمن است ارتقاء کیفیت یافته و زندگی می‌یافت.

○ **حسینیه‌ها:** حسینیه‌ها و تکایای ایرانی با همراه داشتن سقاخانه و

# آب، معماری و شهرسازی مسلمین

دکتر بهناز امین زاده

عضو هیئت علمی دانشکده محیط زیست - دانشگاه تهران



در این مقاله تنها بر جنبه‌های معنوی آب در فرهنگ اسلامی، شناخت معانی نمادین آب به همراه چگونگی تجلی آن به عنوان «اصل حیات» در معماری و شهرسازی پرداخته می‌شود.

## آب در فرهنگ اسلامی و ایرانی

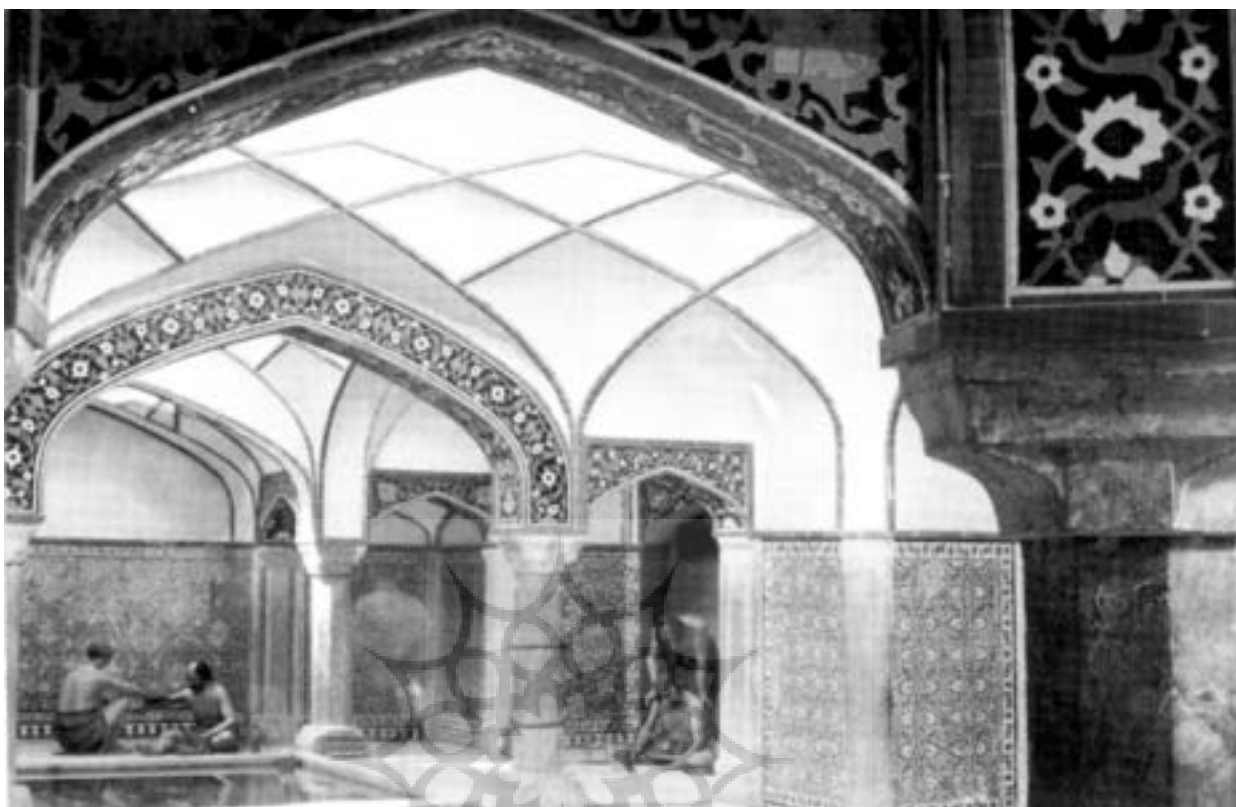
تعالیم اسلامی و به دنبال آن فرهنگ ایرانی، آب را به عنوان مایه و اصل حیات هرچیز معرفی می‌نماید. چنانچه در قرآن کریم آمده است: و جعلنا من الماء کل شیء حی: و از آب هر چیزی را زنده گردانیدیم. از ظاهر سیاق آیه برمی‌آید که «مراد، این باشد که آب دخالت تامی در هستی موجودات زنده دارد.»<sup>۱</sup>

آب به عنوان نماد زندگی، بهشت، پاکی و نشانه زیبایی و آبادانی<sup>۲</sup> نیز مورد اشاره قرار گرفته است. در آیه ۵۰ سوره روم، «باران را رحمت خدا و کیفیت زنده کردن زمین بعد از مردنش را از آثار آن خوانده، پس زنده شدن زمین پس از مردنش از آثار رحمت خداست و نباتات و اشجار و میوه‌ها از آثار زنده شدن زمین است.»<sup>۳</sup> در زبان رمز عرفا نیز «آب رمز نور هستی است که در هر لحظه در سراسر جهان نفوذ و جریان دارد، و بستر نهر مثال‌هایی است که تعیین‌کننده جهت کل جریان آب است.»<sup>۴</sup> علاوه بر نقش آب به عنوان بخشنده‌ی حیات به موجوداتی (مانند

انسان و حیوان) که عرفاً و ظاهراً زنده نامیده می‌شوند، تفکر اسلامی به حیات زمین‌ها و شهرها در پی نزول باران (آب) اشاره می‌نماید. و ما انزل الله من السماء من رزق فاحیا به الارض بعد موتها: و آنچه خدا از آسمان برای روزی خلق از برف و باران می‌فرستد و زمین را پس از مرگ دیگر بار زنده می‌سازد (جائیه: ۵)

## آب در معماری و شهرسازی مسلمین

مطالعه شهرهای تاریخی مسلمین نشان می‌دهد، علی‌رغم اینکه این



○ **باغ‌ها:** باغ‌های اسلامی و به خصوص باغ‌های ایرانی در مناطق مرکزی ایران به مثابه تلطیف‌کننده شرایط گرم و طاقت فرسای محیطی و پناهگاه گرم‌زدگان حاشیه کویر جلوه بارزی از حیات زمین و گیاه و حیات مادی و معنوی انسان طراحی و سازنده‌ی خویش را به نمایش گذارده‌اند. باغ‌ها نه تنها خود جلوه‌ی بارز حیات و تجلی‌دهنده‌ی مفاهیم معنوی زندگی موجودات بوده‌اند، بلکه فراتر از آن با معانی نمادین عناصر و شکل و هندسه‌ی خاص خویش یادآور نمودی از حیات معنوی انسان را تجلی عینی بخشیده‌اند. این حیات و این تفکر به حیات ممکن و مقدور نمی‌گردد الا توسط آب.

آب در باغ‌های ایرانی تنها برای آبیاری و حتی دیدن و حظ بصر نبوده و با حرکت و دوران خویش ضمن نمایشی از وحدت و یگانگی حیات، تلطیف محیط و غوغای دلپذیر زندگی را نیز متذکر می‌گردیده‌اند. در مورد برخی ویژگی‌های آب در باغ‌های ایرانی نوشته‌اند که برای نمایش و احساس آب سطوح را [حرکت و ریزش آب] طوری انتخاب می‌کردند که جریان آب به خوبی نمایش داده شود. پله‌پله کردن مسیر جریان ملایم آب و تند و پرسروردا کردن آن یکی از روش‌ها بوده است. در کف آب‌نماها و بیشتر جاهایی که آب فرومی ریخت غالباً تخته سنگی با تراش سفید کبکی و با طرح‌های مختلف کار می‌گذاشتند که موج آب را زیبا جلوه دهد.<sup>۱۷</sup>

○ **فضاهای عمومی:** آب و به خصوص آب جاری یکی از عناصر اصلی

#### نتیجه‌گیری

در تعالیم اسلامی هر عنصر طبیعی و از جمله آب یادآور و نشانه و سمبل موضوعات و مفاهیم و ارزش‌های معنوی و روحانی‌بی است که در رأس آنها توجه به قدرت و علم الهی مطرح است. لکن امروزه بیش از آنکه اصول و ارزش‌ها و مفاهیمی که نشانه‌ها و سمبل‌ها به آنها اشاره دارند مورد توجه قرار می‌گیرند، خود نشانه‌ها مورد توجه قرار گرفته‌اند. در محیط‌های شهری توجه کمی و کیفی به آب به عنوان عنصر حیات‌بخش از اهمیت بسیاری برخوردار است. در جهت دستیابی به اصول و معیارهایی برای تعیین ویژگی‌های این ارتباط، پرداختن به مفاهیم و اصول اسلامی در ارتباط با هدف تماس و یا بهره‌گیری از هر یک از عناصر

مطالعه شهرهای تاریخی  
 مسلمین نشان می‌دهد، علی‌رغم  
 اینکه این شهرها بیشتر در  
 مناطق گرم و خشک قرار  
 داشته‌اند، نظام‌دهی و  
 شکل‌گیری آنها در جهت ایجاد  
 هماهنگی و تعادل بین محیط  
 مصنوع، طبیعت و نیازهای  
 انسان بوده و کوشش مسلمین با  
 بهره‌گیری از قوانین طبیعی و  
 شناخت ویژگی‌های عناصر  
 طبیعی و از جمله آب در جهت  
 ایجاد محیط‌های شهری  
 هماهنگ، متعادل و قابل زیست  
 برای انسان است



برقرارکننده‌ی ارتباط انسان با طبیعت (نور و هوا و گیاه و آب) بوده و آنچه در این ارتباط نقش اساسی را ایفا می‌نموده آب بوده است. وجود آب در حیاط‌ها از طریق حوض‌ها و پادیاوها تأمین می‌شده و مجموعه‌ی حوض و باغچه‌ها همواره ترکیب هندسی ویژه‌ای را برای حیاط‌ها به وجود می‌آورده‌اند. مرحوم پیرنیا اشکال شش ضلعی ایرانی، دوازده ضلعی و مستطیل (با تناسب طولی) و همچنین شکل دایره (در برخی شهرها چون شیراز) را برای حوض‌های حیاط‌های مسکونی نام می‌برد.<sup>۱۵</sup> به غیر از حوض که عنصری متداول در غالب اقالیم ایرانی بوده است، در هر اقلیمی باتوجه به شرایط و امکانات در دسترس، ابداعات و ابتکارات خاصی نیز ظهور نموده است از جمله حوضخانه‌ها که نمونه‌ای خاص از مسکن در کاشان و برخی آبادی‌های نزدیک به آن همچون فین و آران است. این حوضخانه مکانی مسقف و سرپوشیده با یک حوض در داخل ساختمان بوده‌اند که قنات از آن عبور می‌نموده است.<sup>۱۶</sup>

وجود آب در حیاط‌های منازل مسکونی به انضمام فرم‌های هندسی خاص خویش نمادی از بهشت مطلوب ایرانیان بوده است. علاوه بر آن مجموعه‌ی حیاط مورد نظر با محصور شدن توسط فضای زندگی خانواده به عنوان مرکز و قطب زندگی فردی و خانوادگی و فضایی که خود محل فعالیت بوده است و با فضاهای عمومی ارتباط مستقیمی نداشته، ارتباط بی‌واسطه‌ی انسان را با آسمان و با نور و هوا برقرار می‌نموده است.

آب انبار یادآور حیاتی بوده‌اند که امام حسین(ع) و یارانش به اسلام و بالنتیجه به ساحت معنوی زندگی مسلمین بخشیده‌اند. همراهی آب (سقاخانه یا آب‌انبار) با حسینیه‌ها و تکایا به حدی اهمیت داشته است که برای نمونه تکایای سمنان (حتی اگر آب انباری در نزدیکی آنها بوده) خود واجد آب انباری اختصاصی بوده‌اند.

در حقیقت سقاخانه به عنوان عنصر شاخص معماری در کنار حسینیه‌ها و تکایا و یا طول معابر و گذرهای شهر آزادگی و عزت و عدالت و فتوت را که لازمه و ضرورت حیات طیب و انسانی هستند به رهگذران و اهل شهر یادآوری می‌نمودند.

○ حیاط‌های منازل: حیاط همواره یکی از فضاهای مثبت و



طبیعی و برای نمونه بیان علت مهم لزوم احتراز از اسراف (حفظ تعادل) و نتایج مترتب از آن (دوری از دوستی خدا) می‌توانند انگیزه‌های مهمی برای احتراز از اسراف باشد. در حالی که پرداختن به عواقب مادی (همچون کمبود، جرمه و گرانی) نمی‌تواند کارایی چندانی داشته باشد. بنابراین بیان نقش آب در حفظ و رشد مختصات انسانی و تداوم حیات انسان، روشن شدن راه‌های استفاده صحیح از آن، و نهایتاً سعی در اصلاح و تغییر تلقی جامعه و مراکز تصمیم‌گیری نسبت به این عنصر حیات‌بخش امری است ضروری به علاوه یادگیری و عبرت‌آموزی از جوامع و تمدن‌های گذشته به خصوص مسلمین نیز ضرورت دارد.

در شهرهای تاریخی مسلمین تماس انسان با آب در سلسله مراتبی استوار از واحد مسکونی تا کل شهر برقرار بود لکن با ورود الگوها و ایده‌های وارداتی در معماری و شهرسازی و تکرار و تقلید که توسعه نامیده می‌شد نحوه‌ی ارتباط انسان با این عنصر حیات بخش دگرگون گردیده است. چگونگی ارتباط مجدد و احیای فرهنگ استفاده از آب نیاز به بازنگری در روش‌های طراحی دارد. بازنگری‌ای که در فرآیند آن اولین گام عبارت است از شناخت حکمت و فلسفه آب به عنوان مظهر حیات، و سپس تدوین مبانی طراحی جهت چگونگی کاربرد آن با تأکید بر هر دو بُعد مادی و معنایی آن به عنوان «اصل حیات».

## پرتال جامع علوم انسانی

۹. ابن حوقل. ترجمه جعفر شعار، ایران در صوره الارض، امیرکبیر، تهران، ص ۴۸.
۱۰. لسترینج، گ. ترجمه عرفان، محمود، ۱۳۶۷، جغرافیای تاریخی سرزمین‌های خلافت شرقی، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، ص ۴۸.
۱۱. احمد بن ابی یعقوب ترجمه، محمد ابراهیم آیتی. البلدان، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، ص ۲۳.
۱۲. همان. صص ۱۹۳.
۱۳. پیرنیا. ۱۳۷۲، آشنایی با معماری اسلامی ایران، دانشگاه علم و صنعت ایران، تهران.
۱۴. همان. ص ۳۱۹.
۱۵. پیشین (۲۱). ۱۶۲.
۱۶. امینیان، سیف الله. ۱۳۷۸، حوضخانه‌های کاشان، مجموعه مقالات دومین کنگره تاریخ و معماری و شهرسازی ایران، جلد ۲، سازمان میراث فرهنگی، تهران.
۱۷. پیشین (۲۱). ص ۲۹۰.

### منابع و پی‌نوشت‌ها:

۱. طباطبایی، علامه سیدمحمد حسین. ترجمه سیدمحمدباقر موسوی همدانی، ۱۳۷۵، تفسیر المیزان - جلد ۳۶، محمدی، تهران، ص ۲۱۸، ذیل آیات ۹-۱۱، سوره ق.
۲. قرآن کریم: سوره فرقان (آیات ۴۹-۴۸) و سوره روم (آیه ۲۴)
۳. قرآن کریم: سوره بقره (آیه ۲۵)، سوره یونس (آیه ۹)، سوره غاشیه (آیه ۱۲).
۴. قرآن کریم: سوره مائده (آیه ۹۹).
۵. قرآن کریم: سوره انعام (آیه ۹۹).
۶. پیشین (۳). ذیل آیات ۴۸-۵۳ سوره روم.
۷. نصر، سید حسین. ۱۳۵۹، نظر متفکران اسلامی در مورد طبیعت، خوارزمی، تهران، ص ۱۳۴.
۸. مقدسی، ابو عبدالله محمد بن احمد. ترجمه علینقی منزوی. ۱۳۶۳، احسن التباسیم فی معرفه الاقالیم، شرکت مؤلفان و مترجمان، تهران، ص ۲۱.